



۲. در اهمیت «بزم رزم»

اشک و لبخند

نوشته مهدی همایون فر

ساحت جمعی انسان نیز چون ساحت فردی او با اشک‌ها و لبخندهایی همراه است. تهاجم دشمن به ایران اسلامی با چنان سرعتی بود که مدت‌ها مردم را در بُهت و حیرت فرو گذاشت. شیرینی روزهای خوش پیروزی انقلاب و فرار طاغوت هنوز در کامشان بود که جنگ آغاز شد. در این میان موسیقی شرایط ویژه‌ای را سپری می‌کرد. شبهه حرمت موسیقی آن‌همه بر کشور سایه انداخته بود که نوازندگان مجبور بودند آلات موسیقی خود را چون کالایی ممنوعه جابه‌جا کنند.

با تمام این مشکلات؛ همراهی آنها با مردم در دفاع از کشور خواب را از چشمانشان ربوده بود. از این رو دل به دریا زده و تمام داشته‌های خود را به میدان آوردند. جوشش شعر از دل، ضجه سازها، زخمه دست‌ها و... همه‌وهمه آمدند تا ناله مظلومیت دیگراره مردم را به گوش جهان برسانند و اینگونه هنرمندان عرصه موسیقی گام در سنگرهای دفاع گذاشته و صدای خوش حنجره‌شان سنگرهای صعب‌العبور کوه‌های غرب تا دشت‌های سوزان جنوب را درنوردید. و به حق چه دلنشین: «بزم رزم» تاریخ این نقش‌آفرینی هنرمندانه را به تصویر کشیده است. تماشاگر این مستند نفس‌گیر؛ لحظاتی همراه آن می‌خندد و بغضش در صحنه‌هایی می‌ترکد. این اشک‌ها و لبخند‌ها همان اجری است که دیگراره نشان از تجدید عهد هنرمندان عرصه موسیقی با مردم دارد. ■

مهدی همایون فر تهیه‌کننده سینما و تلویزیون با آثاری چون «اتوبوس شب»، «سریال «جلال‌الدین» و «سریال «آشوب» شناخته می‌شود. او فعالیت خود را سال ۱۳۸۰ با تهیه‌کنندگی فیلم سینمایی «صنوبر» به کارگردانی مجتبی‌رای آغاز کرد. همایون فر سال ۱۳۸۵ با تولید آثار مهمی خود را به جامعه هنرمندان معرفی کرد. او در سال ۱۳۹۵ تهیه‌کنندگی فیلم مستند بزم رزم به کارگردانی سید وحید حسینی را به عهده گرفت.



الهام زارع‌نژاد
پژوهشگر موسیقی

۱. پرونده یک موضوع: موسیقی در زمان جنگ

در بزمگاه جنگ

نوشته علی اکبر شکارچی

یک- بی‌شک در هر دوره‌ای کلام و ریتم در موسیقی می‌تواند برانگیزاننده باشد و این مسأله در هنگامه‌هایی مانند جنگ باعث تهییج و تشویق انسان‌ها برای دفاع، حفظ و حراست از سرزمین و وطن‌شان خواهد شد. پس هم ریتم و هم اشعار و مضمون آنها در این مسأله می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد ضمن آنکه خود ملودی و اندیشه و احساسی که از آن سرچشمه می‌گیرد می‌تواند بهترین پناهگاه برای کسانی باشد که در کارزار جنگ حضور دارند. در واقع می‌تواند قوت قلبی باشد برای کسانی که از نزدیک درگیر جنگ هستند و یا در جبهه‌ها می‌جنگند و با چشم خود شاهد کشته و زخمی شدن هم‌زمانشان و ویرانی‌ها هستند و موسیقی است که به عمق وجود انسان راه پیدا می‌کند و تأثیر می‌گذارد و می‌تواند تسلی بخش باشد.

برای عموم مردمی که درگیر جنگ هستند هم بی‌شک نقشی آرامش‌بخش خواهد داشت و آنها را دل‌قوی می‌کند تا با مسائل پیش‌رو با روحیه بیشتر و بهتری روبه‌رو شوند و در مقابل دشمن کوتاه نیایند. در برهه جنگ تحمیلی ایران و عراق هم (که امیدوارم هرگز تکرار نشود) آلبومی تهیه و آهنگسازی کردم به خوانندگی ایرج رحمانپور و سُرنا نوازی زنده‌یاد شاه‌میرزا مرادی که برای تکخوان و گروه کر تنظیم شده بود. مضمون و معنی شعر آن اینطور بود که «عراق حمله کرده و مثل روز مشخص است که دست آمریکا در کار است» در آن آلبوم شعر دیگری بود که می‌گفت «مردم دست به دست هم بدهیم و ایران را برایشان قبرستان کنیم. مردم این جنگ جان است و می‌خواهم جان بی‌استقلال هرگز زنده نماند.» این شعر و موسیقی برای آن زمان و آن برهه و هدفش حفظ و حراست از سرزمین‌مان بود. از سربازان و فرماندهان جنگی می‌شنیدم وقتی این آهنگ‌ها و شعرها از بلندگوهای جبهه‌ها پخش می‌شد رزمندگان روحیه می‌گرفتند. در شهرها هم همین‌طور بود و مردم با شنیدن این آثار حس وطن‌دوستی و دشمن‌ستیزی‌شان تقویت می‌شد و از طرفی روحیه می‌گرفتند. پس همه مردم به کمک این موسیقی، به جنگ و مقابله با دشمن رفتند و هر کسی در هر حوزه‌ای خدمتی به سرزمین خود کرد. هنرمند بسیار عزیزی مانند محمد میرزاوندی هم در استان لرستان کارهایی انجام داد که بسیار شهره شد و نام و صدای خوشش را به هر کوی و برزنی برد. هیچ‌کس در این میدان و میان بی‌تفاوت نبود. هرکس موسیقی می‌دانست موسیقی می‌ساخت و هر کس خوش صدا بود می‌خواند و همه این‌ها در کنار هم مجموعه‌ای می‌شد و کسی مثل میرزاوندی و دیگر هنرمندان اهل لرستان و کلاً غرب کشور در این وادی نقشی بسزا داشتند.

دو- ملودی «دایه‌دایه» را من سال‌های سال پیش در موسیقی بختیاری شنیدم و بعد در منطقه لرستان با هنرمندان خوش ذوق آن را به دایه‌دایه معروف تبدیل کردیم. تمام ملودی‌های نواحی این خصلت را دارند که در بزمگاه‌های مختلف می‌توانند شعرهایی حماسی و مطابق با اتفاقات روز را به شنونده منتقل کنند. در واقع این ذات موسیقی بومی است که رنگ و لحن آنها بسیار تأثیرگذار است و در هر زمانی می‌تواند این تأثیرگذاری را حفظ کند. از دوره رضاشاه تا امروز این قاعده وجود دارد و همان ملودی‌ها را باز هم می‌توان استفاده کرد و آن را در خدمت اهداف والا به کار برد چون مضامین آن درباره حماسه و اسطوره و میهن‌پرستی است. دایه‌دایه را هم من اولین بار اگر اشتباه نکنم از رشیدی شنیدم و بعد از او فکر می‌کنم رضا سقایی آن را خواند. در زمان انقلاب در آلبوم «خلق لر» اشعاری خواندم که تا پیش از آن به‌طور رسمی منتشر نشده بود. ■

علی اکبر شکارچی نوازنده کمانچه و آهنگساز اهل لرستان است. او یکی از شاگردان سرشناس علی اصغر بهاری است که در دوران جنگ با ساخت موسیقی‌های محلی نقش بسزایی در تهیه و ساخت و انتشار موزیک‌های تأثیرگذار داشت.

